

## بررسی صور خیال در شعر شاعران کودک با تکیه بر آثار کانون پرورش فکری

سهیلا لویمی\*

### چکیده

زیبایی شناسی همواره یکی از مباحث مهم در ادبیات بوده است و بررسی عناصر زیبایی سخن در آثار ادبی یکی از پر بسامدترین مباحثی است که توجه پژوهندگان و محققان ادبی را به خود اختصاص داده است. در این میان پرداختن به ادبیات کودک نیز موضوع حائز اهمیتی است که پژوهش حاضر به واکاوی شعر کودک اختصاص یافته است. در این پژوهش محقق با تکیه بر آثار منتشر شده برای کودکان در کانون پرورش فکری کودک و نوجوان به بررسی تشبیه و استعاره از عناصر بیانی در صور خیال، در آثار شاعران برجسته ادبیات کودک در دهه‌های هفتاد و هشتاد، پرداخته است. محقق با روش توصیفی - کتابخانه‌ای تحقیق را به انجام رسانده است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که تشبیه حسّی از پر بسامدترین عناصر خیال در ادبیات کودک در رده‌بندی پنج‌گانه سنی در دو دهه مذکور است و تشخیص به عنوان نوعی استعاره بیشترین کاربرد را در شعر کودک دارد.

کلید واژه‌ها: شعر، صور خیال، تشبیه، استعاره، کانون پرورش فکری، رده‌بندی سنی.

\* - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز - ایران.

## مقدمه

یکی از ابزارهایی که تخیل کودک را به رشد می‌رساند، شعر است. شعر از تجربه روحی و فردی شاعر نشأت می‌گیرد. او این تجربه را در کلمات بیان می‌کند و آنچه به حفظ این تجربه عاطفی شاعر و فضای ذهنی وی کمک می‌کند، صورت‌های گوناگون خیال است که به صورت کلی به آن‌ها تصویر (image) می‌گویند.

واژه تصویر زاییده دنیای مدرن است، اما کاربرد و پیشینه‌ای دیرین در جهان ادبیات دارد. صورت‌های خیالی در تمامی هنرها، دریچه‌ای برای ورود به دنیای آن‌ها بوده است. دنیای بزرگسالانی که انباشتی از تفکر و تعمق را در بردارد و دنیای کودکانی که تنها سرشار از ریتم و تصویر و حس است. خیال، دنیایی است ذهنی و فرا واقعی. دنیایی که در آن هر چیز ناممکنی ممکن می‌شود. همه چیز معنادار و جاندار می‌گردد و به راحتی با ما به گفتگو می‌پردازد. عنصر خیال در شعر کودکان و نوجوانان موجب تقویت ذهن و اندیشه و باعث ایجاد خلاقیت و نوآوری در آن‌ها می‌گردد. تقویت تخیل در این گروه سنی موجب برقراری ارتباط ژرف آن‌ها با جهان پیرامون شان می‌شود و به مخاطبان کمک می‌کند تا جهان را طور دیگری ببینند و در نتیجه، در عالم ذهن به آمال و آرزوهای دور و دراز خود دست یابند. علاوه بر این، درک و دریافت متفاوت و تازه‌ای از دنیای محیط خود داشته باشند. عنصر خیال این امکان را به وجود می‌آورد که بین مظاهر طبیعت پیوند بزنند و تناسبات تشابهات و تضادهای میان آن‌ها را بهتر دریابند. و تلاش ذهنی آن‌ها را به سمتی سوق می‌دهد که موجب کشف روابط پنهان بین پدیده‌ها می‌گردد. سپس زمینه‌ای برای کودکان و نوجوانان فراهم می‌کند که بتوانند میان تصاویر ذهنی و عینی ارتباط برقرار کنند. ادبیات کودک و نوجوان گونه‌ای از ادبیات است که جداسازی آن از بخش‌های دیگر ادبیات با سن مخاطبان انجام می‌شود. این گونه ادبی هنگامی پدید آمد که بزرگسالان متوجه شدند کودکان و نوجوانان به سبب گنجایش‌های شناختی و ویژگی‌های رشدی خود، آمادگی پذیرش متن‌های سنگین را ندارند و به متن‌هایی نیاز دارند که پاسخ‌گوی دوره رشد آن‌ها باشد.

با نگاهی گذرا به تاریخ ادبیات ایران و اولین متون تعلیمی به نثر می‌توان گفت ایرانیان از قدیم به امر تربیت کودک توجه ویژه‌ای قائل بودند و آن را یکی از وظایف مهم والدین می‌دانسته-

اند. لکن نقطه ضعفی از دیدگاه روان‌شناسی و آموزش و پرورش در آن‌ها دیده می‌شود، این است که در تمام آن‌ها کودک کوچک شده بزرگسالان پنداشته شده و به آینده کودک بیش از حال او توجه شده است؛ به همین سبب ادبیات کودکان به معنا و مفهومی که ما امروز داریم در ایران کاملاً تازگی دارد و شاید تاریخ آن به ربع قرن بیشتر تجاوز نکند. در ایران ادبیات کودک و نوجوان و بویژه شعر کودک که موضوع مورد بحث این مقاله است به طور جدی در دهه هفتاد معنا می‌یابد. شاعران شعر کودک که در این دوره در کانون پرورش فکری فعالیت‌های خود را به طور جدی پی گرفتند ذوق و تخیل شاعرانه‌شان را در خدمت ساختن دنیای رنگین و آهنگین کودکان به خدمت گرفتند.

#### پیشینه تحقیق

در مورد صور خیال کتاب‌ها و مقالات و پایان‌نامه‌های متعدّد و ارزشمندی منتشر شده است. در این بین می‌توان از کتاب‌هایی چون «صور خیال در شعر فارسی» نوشته محمدرضا شفیع‌ی کدکنی، «بیان» نوشته سیروس شمیسا و «بلاغت تصویر» نوشته محمود فتوحی یاد کرد. همچنین در مورد صور خیال در ادبیات کودک و نوجوان پژوهش‌هایی صورت گرفته است که برخی از آن‌ها در دستور کار محقق قرار گرفته است از این جمله:

پژوهشی از مهدی زرقانی و محبوبه نوغانی، با عنوان بررسی محتوایی شعر کودک دهه ۷۰ (گروه‌های سنّی الف، ب و ج) (۱۳۸۶) است که در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی به ثبت رسیده است، در این پژوهش زرقانی دگرگونی مفهومی شعر کودک را با دسته‌بندی ادوار مختلف شعر کودک در ایران از دهه ۶۰ تاکنون به درستی اشاره می‌کند و همچنین به نقاط ضعف و قدرت آن می‌پردازد. علی ارمغان نیز با پژوهشی با عنوان، صور خیال در شعر رحمان دوست، در پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، (۱۳۸۲) به بررسی برخی از عناصر خیال در شعر رحمان دوست پرداخته است که روش مطالعه آن مورد استفاده محقق در این پژوهش قرار گرفته است. پژوهش دیگری با عنوان مفهوم کودکی و هدف ادبیات کودک، از مرتضی خسرونژاد که در مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز ثبت شده است، (۱۳۸۴) چکیده درستی از تاریخ ادبیات کودکان، مفهوم کودکی، ویژگی ادبیات کودکان را در اختیار جاستار حاضر گذاشته است. همچنین در بخش بررسی اشعار کشاورز، محمود پوروهاب با مقاله‌ای تحت عنوان، کشاورز در

شعر کودک و نوجوان، (شماره ۳۱) در بررسی و تحلیل اشعار کشاورز به پژوهش حاضر یاری کرده است. این مقاله در پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به ثبت رسیده است.

### بحث و بررسی

#### الف: تشبیه

عناصر خیال از جمله تشبیه و استعاره بیشترین مدد را به شاعران رسانده و آن‌ها را با دستانی پر به دنیای کودکان رهسپار کرده است.

تشبیه را می‌توان اولین مرحله از دخل و تصرف خیال در نظر گرفت. این مبحث، بسیار قدیمی و در عین حال جذاب است. به بیان شمیسا تشبیه از زیباترین عناصر خیال انگیزی است که «مانند کردن چیزی است به چیزی مشروط بر این که آن ماندگی مبتنی بر کذب باشد نه صدق. یعنی ادعایی باشد نه حقیقی» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۶۷)

به طور کلی تشبیه به کلامی گفته می‌شود که در آن یک چیز به چیز دیگر مانند شود. این کلام با ادات چون، مانند، شبیه، همانند و... آورده می‌شود. «ماندگی یا تشبیه مانند کردن چیزی است یا کسی به چیز یا کس دیگر، بر بنیاد پیوندی که به پندار شاعرانه، در میانه آن دو می‌توان یافت. بنا بر این هر تشبیه چهار سوی یا چهار پایه می‌تواند داشته باشد:

۱- ماننده (مشبّه): آنچه که مانند می‌شود.

۲- مانسته (مشبّه‌به): آنچه که بدان مانند می‌کنند.

۳- مانروی (وجه شبه): پیوندی که ماننده را به مانسته می‌پیوندد.

۴- مانوار (ادات تشبیه): واژه‌ای که ماندگی را به یاری آن نشان می‌دهند. «کزآزی،

(۱۳۹۱: ۴۰)

تشبیه را از جنبه‌های مختلف می‌توان مورد بررسی قرار داد. از جمله: تشبیه از لحاظ حسّی یا عقلی بودن طرفین، اینکه مشبّه و مشبّه‌به هر دو حسّی باشند و با حواسّ ظاهری قابل درک باشند، یا هر دو عقلی باشند و دور از ذهن.

تشبیه به اعتبار حسی و عقلی بودن به ۴ قسم تقسیم می شود:

#### ۱ حسی به حسی:

در این نوع تشبیه یک چیز حسی به چیز حسی دیگری مانند می شود. «منظور از حسی اموری است که با یکی از حواس پنجگانه قابل درک باشند؛ به طور کلی وجود مادی داشته باشند.» (شمیسا، ۱۳۹۲: ۷۸) در شعر کودک نیز به همین ترتیب است. طرفین تشبیه (مشبه و مشبه به) هر دو در عالم محسوسات با یکی از حواس ظاهری قابل حس هستند. این تشبیه یکی از رایج ترین انواع تشبیه در شعر کودک و نوجوان است به عبارتی این نوع همانند سازی به دلیل بدویت و سادگی خود بار عظیمی از وظیفه تصویرسازی در شعر کودک به ویژه شعر کودکان قبل از دبستان و سال های اول دبستان را به دوش دارد در این تشبیه بیشتر از نقش طبیعت بهره می گیرند.

#### ۲ مشبه حسی مشبه به عقلی:

«از نظر تئوری این نوع تشبیه نباید وجود داشته باشد چون غرض از تشبیه، این است که به کمک مشبه به که در صفتی اعرف و اجلی و اقوی از مشبه است حال و وضع مشبه را در ذهن تقریر و توصیف کنیم و بدیهی است که عقلی همیشه نسبت به حسی اخفی است. از این رو در این گونه تشبیهات، شاعر خود وجه شبهی را که مورد نظر اوست ذکر می کند. بدین ترتیب این گونه تشبیه همواره مفصل است و اگر مجمل باشد یا فهمیده نمی شود و یا فهم آن دقیق و متفق علیه نیست.» (همان: ۷۸)

#### ۳ مشبه عقلی، مشبه به حسی:

«تشبیه عقلی به حسی رایج ترین نوع تشبیه است، زیرا غرض از تشبیه تقریر و توضیح حال مشبه است و اگر مشبه به محسوس باشد، مشبه معقول به خوبی در ذهن مجسم و تبیین می شود.» (همان: ۷۸)

#### ۴ هر دو طرف عقلی

«این نوع تشبیه هم قاعدتاً نباید وجود داشته باشد، زیرا از مشبه به عقلی، وجه شبه روشن و صریحی اخذ نمی شود تا حال مشبه را به کمک آن دریابیم. پس در این گونه تشبیهات هم اصل آن است که وجه شبه ذکر شود یا مشبه به عقلی باید در وجه شبهی بسیار معروف باشد» (همان: ۸۱)

برای کودکان سنین پایین تر و کودکان ابتدایی، هر چه تشبیه حسی تر باشد، بهتر است. چون کودکان در این مرحله از زندگی خود، به دنبال کشف و شناخت دنیای پیرامون خویش هستند و این برای آنها در حکم یک نیاز است تا بتوانند زندگی خود را ادامه دهند. پس با اشعار و در کل، با ادبیاتی، حسی، بیشتر رابطه برقرار می کنند.

### ب: استعاره

«استعاره» یکی از مهم‌ترین عناصر زیبایی آفرین در آثار هنری است که علاوه بر ادبیات، در کلیه آثار هنری مورد توجه است و شاید به جرأت بتوان گفت که مفصل‌ترین مباحث تئوریک در دستگاه نظریه بیان را به خود اختصاص داده است. «به بیان شفيعی کدکنی» استعاره که سخنوران اروپایی آن را «ملکه تشبیهات مجازی» خوانده‌اند، گونه‌ای مجاز است که در آن علاقه شباهت وجود دارد و از طرف دیگر تشبیه فشرده و موجزی است که فقط مشبه به در آن باقی مانده است. (همان، ۱۳۹۰: ۱۵۹) در استعاره به مشبه، مستعارله و به مشبه به، مستعار منه و به لفظ استعاره، مستعار و به وجه شبه، جامع می گویند. همچنین استعاره انواع مختلفی دارد.

#### ۱- استعاره مصرّحه:

«استعاره‌ای است که در آن مستعارله یا مشبه حذف و مستعار منه یا مشبه به آورده شود؛ با ذکر قرینه‌ای که ذهن خواننده یا شنونده را از معنی حقیقی لفظ مستعار دور کند و به مستعارله برساند» (علوی مقدم، ۱۳۸۴: ۱۱۸)

در استعاره مصرّحه به کمک قرینه‌ای که به آن «قرینه صارفه» می گویند، از مشبه به موجود پی به مشبه محذوف می بریم.

#### ۲- استعاره بالکنایه:

استعاره‌ای است که در آن برخلاف استعاره مصرّحه، مستعارله یا مشبه موجود ولی مستعارمنه یا مشبه به محذوف است در این نوع استعاره اگرچه مشبه به محذوف است، اما همواره یکی از قراین آن در کلام موجود است.

قزاینی که برخی از بلاغت نویسان از آن به عنوان قرینه صارفه یاد می‌کنند. استعارهٔ بالکنایه در ادب فارسی به دو شکل ظاهر می‌شود. یکی به شکل موجز و فشرده که در علم بلاغت از آن با نام «اضافهٔ استعاری» یاد می‌شود و دیگری به شکل گسترده و مفصل، که از آن با عنوان «آرایه تشخیص» سخن می‌گویند.

تشخیص، شخصیت بخشیدن به اشیاء است. در ذهن کودک همهٔ اشیاء جاندار هستند، تشخیص را در گفتار هر روزهٔ کودکان با اشیاء و عناصر موجود در محیط می‌توان لمس کرد این امر به تدریج با بالاتر رفتن سن کودک کمتر می‌شود. شاعران کودک نیز متناسب با دنیای کودکان، توجه زیادی به تشخیص در سرودن شعر برای کودکان داشته‌اند و تأثیر این کثرت کاربرد در زیبایی و خیال انگیزی و تناسب آن با خیال‌های کودکان نهفته است.

استعاره‌ها کلام را خیال انگیزتر می‌کنند و در شعر و ادبیات چه ادبیات کودک و نوجوان و چه ادبیات بزرگسال، بسیار حائز اهمیت هستند. اما برای کودکان استعاره‌ها، کمی دیربند و شاید اصلاً مفهوم آن‌ها را نفهمند. این بدان معنا نیست که برای آن‌ها نباید از استعاره استفاده کردهٔ البته برای کودکان گروه‌های سنی پایین‌تر، هر چه کلام ساده‌تر باشد، بهتر است. برای کودکان زیر دبستان و گروه‌های سنی الف و ب باید زبان کاملاً آسان و طبیعی به کار رود، اما برای گروه‌های سنی بالاتر مثل ج و د و ... باید از استعاره‌های متعادل و قابل دریافت شروع کرد و آرام آرام ذهن را آمادهٔ درک استعاره‌های پیچیده‌تر ساخت.

«تعریف ادبیات کودکان با تعریف ادبیات به معنای اعم تفاوتی ندارد، اما تفاوت بین نیازها و امکانات کودکان با بزرگسالان موجب می‌شود که از ادبیات کودکان انتظار بیشتری وجود داشته باشد زیرا برای انسانی کم تجربه به وجود می‌آید لذا باید عالی تر و سازنده‌تر باشد.

این تفاوت‌ها عبارتند از:

- محدود بودن تجربه کودکان
- محدودیت زبان
- محدود بودن زمان دقت (کودکان نمی‌توانند از نظر فکری مدت زیادی در امری مثل خواندن داستان دقت کنند).

- ناتوان بودن در دریافت رویدادهای مختلف در یک زمان.
- این محدودیت‌ها با بزرگ‌تر شدن کودک کاهش می‌یابند و ادبیات مورد استفاده او به ادبیات بزرگسالان نزدیک‌تر می‌شود.
- به طور کلی هر آن چه خارج از برنامه درسی و آموزش مستقیم، هنرمندانه نوشته و تنظیم شود، ادبیات کودکان خوانده می‌شود. (حجازی؛ ۱۳۹۱: ۱۶)
- «نوشه ویژگی‌های ادبیات کودک و نوجوانان را این گونه برمی‌شمارد:
- ۱- با زبان و بیان، توانایی درک و زبان نوشتاری، تخیل و تجربه‌های کودکان و نوجوانان متناسب است.
- ۲- به رشد و پرورش شخصیت خواننده کمک می‌کند.
- ۳- اهمیت تصویر را برای کودک و نوجوان برابر با اهمیت نوشته می‌داند و همواره بخشی از پیام را با تصویر بیان می‌کند.» (همان)
- «عنصر سرگرمی و ایجاد لذت در ادبیات کودکان و به عبارت دیگر سازگاری متن ادبی با ذائقه کودکان (که لذت طلب و جوینده نشاط است) مهم‌ترین ویژگی ادبیات کودک و وجه تمایز آثار ادبی و غیرادبی در این حوزه است. بنابراین در تعریف ادبیات کودک، محور اصلی، کودک، ویژگی‌ها و علایق اوست.» (خسرونژاد، ۱۳۸۴، ۶۷).
- اما آنچه که در این بین برای محقق مورد بررسی است شعر کودک است. محمود کیانوش در تعریف شعر کودک می‌گوید: «اشعاری که برای کودکان سروده می‌شود شبیه اسباب بازی هستند که با کلمات ساخته می‌شود. این کلمات به تخیل کودکان، بال پرواز می‌دهد. کودکان می‌خواهند این اشعار را بخوانند و با آن برقصند و با آن بازی کنند. بدین جهت اشعار باید موزون، رنگی و ساده باشند همان گونه که اسباب بازی‌ها مورد استفاده واقع می‌شوند. زمانی که کودکان شروع به تجربه طبیعت و زندگی می‌کنند موضوعاتی که برای آن‌ها انتخاب می‌شوند. باید از دید مکتشف و جستجوگر آن‌ها باشد. آنچه که آن‌ها در محیطشان کشف می‌کنند از اشیاء مردم و عواطف و هر آنچه که در اشعار آن‌ها آورده می‌شود باید با این سفر سرگرم کننده دانش و فهمیدن جهان سازگار باشد.» (حجازی، ۱۳۹۱: ۱۴۸)

«در شعر کودک وجود سه صفت اصلی لازم است:

۱. آهنگین و آمیخته به موسیقی بودن.
۲. شوق انگیز و شور انگیز و جنبش زا یا احساس برانگیز بودن.
۳. گویا و بیانگر بودن.

این سه خصوصیت پایهٔ اصلی شعر است، اما هر شعر لزوماً هر سه صفت را یکسان در بر ندارد.» (همان: ۱۴۹)

اما برای ورود به بررسی ادبیات کودکان طبقه‌بندی سنی کودکان نیز حائز اهمیت است.

### تقسیم بندی گروه‌های سنی

«یک رده بندی خاص، برای تفکیک میان آثار مختلف کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان وجود دارد. بر پایهٔ این رده‌بندی، کلیهٔ کتاب‌هایی که در این سازمان برای کودکان به چاپ می‌رسند، بر اساس حجم کتاب و تعداد صفحات، میزان نقاشی‌ها، نوع مطلب، و معیارهایی از این قبیل، به شش گروه مختلف تفکیک می‌شوند که عموماً در روانشناسی و در تعلیم و تربیت این تقسیم‌بندی به قرار زیر رعایت می‌شود:

گروه الف: سال‌های قبل از دبستان.

گروه ب: سال‌های آغاز دبستان (کلاس‌های اول دوم سوم).

گروه ج: سال‌های پایان دبستان (کلاس‌های چهارم و پنجم).

گروه د: دوره راهنمایی.

گروه ه: سال‌های دبیرستان.» (همان: ۵۱)

طبقه‌بندی سنی این امکان را فراهم می‌آورد تا در بررسی اشعار برخی از شاعران که در کانون رشد یافته‌اند و بعدها به آن ورود پیدا کرده‌اند، به واکاوی و تأثیر صور خیال: تشبیه، استعاره پرداخته شود، تا شاهد آن باشیم که شاعران سرزمینمان چگونه دنیای کودکانمان را رنگین ساخته‌اند. در این میان اشعار شاعرانی چون: مصطفی رحمان دوست، افسانه شعبان نژاد، شکوه قاسم‌نیا،

ناصر کشاورز به عنوان شاعرانی که ستون‌های شعر کودک در دهه ۷۰ و ۸۰ ایران، با فعالیت‌های مستمرشان در کانون پرورش فکر کودکان محسوب می‌شدند، انتخاب و تحلیل شده است.

در اشعار رحمان دوست تصویر آفرینی بیشتر از طریق حس آمیزی و عناصر و واژگان مربوط به حس بینایی و شنوایی است. نمونه تشبیهات حسی - شنیداری را در ابیات زیر می‌بینیم:

شعر «گام‌های موسیقی» از کتاب «فصل بهار بنویس» برای گروه سنی (ج) سروده شده است.

آن صدا به گوش من مثل راه رفتن بود  
مثل قل قل چشمه مثل قصه گفتن بود

(رحمان دوست، ۱۳۷۹: ۳۱)

صدای باران به صدای راه رفتن انسان تشبیه شده است. صدای باران به چشمه و قصه گفتن تشبیه شده است. به نظر می‌رسد مراد شاعر از این همانندی صدای آرامش بخش قصه گفتن، قل قل و بارش باشد.

یا در شعر «لالایی» از کتاب «فصل بهار بنویس» که برای گروه سنی (ج) سروده شده است.

خواب آمده مهمانی بر خانه چشمانت (همان)

خانه چشم اضافه تشبیهی است، چرا که پذیرای مهمان است. شاعر چشم را به خانه‌ای تشبیه کرده است که خواب در آن به میهمانی رفته است. میهمانی برای خواب تشخیص است.

مهمان پر از رازی امشب شده مهمانت (همان: ۳۲)

پر از راز بودن خواب می‌تواند استعاره از رویاها و کابوس‌ها باشد.

آهسته ببند ای گل چشمان قشنگت را (همان)

گل استعاره مصرحه از کودک.

تا نم نمک این مهمان در چشم تو گیرد جا (همان)

مهمان استعاره مصرحه از خواب.

واقع گرایی و ساده‌گویی و بهره‌گیری از عناصر زنده و توصیفات عینی، به ویژه رنگ‌های زرد و سیاه، برای آشنایی کودکان با طبیعت، از طریق تشبیه و استعاره در اشعار کودکان از مهم‌ترین ویژگی‌هاست:

کتاب "بابا آمد، نان آورد" از مصطفی رحمان دوست که برای گروه سنی (ب) سروده شده است شامل اشعاری است که حاوی مفاهیمی است که کودکان را با طبیعت آشنا می‌سازد. شعر «هوای بهاری» یکی از این شعرهاست:

چادرش را دنیا / بر سر خود پوشید (رحمان دوست، ۱۳۷۹: ۱۱)

دنیا به زنی تشبیه شده که چادر (ابر) به سر کرده است. چادر استعاره از ابر.

برق زد رعد آمد / مثل شیری غرید (همان)

آسمان به شیری تشبیه شده است که می‌غرد. تشبیه حسی به اعتبار طرفین تشبیه. اشاره به برخورد ابرها و ایجاد باران.

غم، سیاه است و سرد و طولانی / غم کوتاه کودکان آبی است

(همان: ۱۲)

در این بیت از کتاب "بابا آمد، نان آورد" شاعر غم آدم‌های بزرگ را در مقابل غم کودکان سیاه و سرد تصوّر کرده که می‌توان آن را اضافه استعاری دانست: غم سیاه، غم سرد. همچنین به عقیده‌ی پژوهنده به طور پوشیده می‌توان غم انسان را تشبیهی از شب زمستان که سیاه و طولانی و سرد است، دانست. شاعر غم کودکان را بر خلاف غم بزرگسالان چون روز زمستان کوتاه می‌داند زیرا دیرپاست.

شعر صد دانه یاقوت را نیز می‌توان نمونه‌ی کاملی از شعر تشبیهی دانست که جنس این تشبیهات حسّی‌اند:

صد دانه یاقوت / دسته به دسته / با نظم و ترتیب / یکجا نشسته (همان)

شاعر دانه‌های انار را همچون یاقوت درخشان دانسته است که در جعبه‌ی جواهر کنار هم قرار دارند. به دلیل رنگ سرخ انار که همچون یاقوت است. تشبیه حسی

هر دانه‌ای هست / خوش رنگ و رخشان / قلب سفیدی / در سینه آن (همان)

شاعر هسته‌ی درونی دانه‌های انار را همچون قلب دانسته، چرا که در درونی‌ترین بخش آن واقع شده است. همچون قلب انسان که درون سینه‌ی اوست و پیدا نیست. (تشبیه حسی)

شعر زیر از اسدالله شعبانی در بردارنده‌ی مفاهیم و مضامینی است که گروه سنی (د) و (ه) را مخاطب خود می‌سازد. این اشعار از مجموعه «شاعر و شب‌بوها» است که مفاهیم با آرایه‌هایی مشهود هستند که کاملاً حسّی است و نوجوانانی که مخاطب این گونه شعر هستند با نوع خاصی از جهان‌بینی آشنا می‌سازد.

### سبز مانند بهار:

بهار آن قدر حرف برای گفتن دارد که ذوق‌های همگان را به بار می‌نشانند تا چه رسد به کودکانه سرایان که مخاطبشان روح‌های پاک و لطیف کودکانی است که هر چیز آن‌ها را به شگفتی و امید دارد. بهار، رنگارنگ و زیباست. نشاط آور و دل‌انگیز است. این زیبایی و دل‌انگیزی تمامی شاعران را به سرایش اشعاری زیبا آهنگین نشاط آور و داشته است. بهار نماد سبزی و طراوت است.

رنگ دستان تو را می‌گویم: در عرف ادب فارسی و باور عامیانه طبق دگرگونی طبیعت در فصل بهار و سبز شدن تمامی پدیده‌ها، شاعر رنگ دستان ممدوح خود را همچون بهار سبز دانسته است. سبزی استعاره از شادابی و باروری نیز هست (همانطور که فروغ می‌گوید: سبز خواهم شد، می‌دانم!) تشبیه حسّی.

من دلم می‌خواهد / مثل توکا باشم / روی یک شاخه سبز بسرایم خود را ... / من به هر خانه دلی دارم تنگ / مثل توکا به قفس که تو را می‌خواند: (همان: ۱۱)

شاعر دلتنگی خود را به دلتنگی توکایی که در قفس آهنگی محزون می‌خواند تشبیه می‌کند. در لایه‌های پنهان این تشبیه دلتنگی به توکا نسبت داشته شده است که انسان‌پنداری است. شعر زیر از مجموعه «رنگین کمان کودکان» برای گروه سنی (الف) و (ب) سروده شده است. هدف شاعر آشنایی کودکان و با طبیعت و پدیده‌های طبیعی و ویژگی‌های آن‌هاست. در اینجا هم می‌بینیم که جنس تشبیهات از نوع حسّی‌اند:

کوه، کوه / به شکل کله قند است / قله برفی آن بلند است (شعبانی، ۱۳۷۹: ۱۷)  
تشبیه قله کوه به کله قند با ذکر وجه شبه شکل کله قندی قله را تداعی می‌کند.

ابر، ابر / اسبی سفید و ناز است: (همان: ۱۸)

شاعر ابر را همچون اسب تصویر کرده. این تصویر سازی به دلیل اشکالی است که گاه ابر به آن می ماند، اما در این بند وجه شبه سفیدی ابر با اسب است.

شعر «مشق شب» از کتاب زمین ما، دل ما:

کوه: / یک تخته سیاه

تشبیه کوه به تخته سیاه که وجه شبه احتمالاً رنگ تیره سنگی کوه با تخته سیاه مدنظر بوده

است. (تشبیه حسّی)

ماه: یک تکه گچ

تشبیه ماه به گچ در سفیدی

تکه ابری اما / مثل یک پاک کن چرک سیاه / می کند آن را پاک / می شود چهره دنیا غمناک.

(همان)

ابر به پاک کنی که به خاطر پاک کردن زیاد چرک شده تشبیه شده است. ابرهایی که باران دارند گاهی تیره اند و در این حالت آسمان کدر می شود حالت گرفته ای دارد. شاعر از این تصویر استفاده کرده و چنین تشبیهی رقم زده است.

افسانه شعبان نژاد که یک از فعال ترین شاعران و نویسندگان کانون و ادبیات کودک محسوب می شود، در نوشته های ک. دکانه اش نگاه ویژه ای به خانواده دارد. همچنین طبیعت جزء جدانشدنی اندیشه شعبان نژاد در پرورش دنیای کودکان است. از همین رو تشبیهات او از نوع حسّی و استعارات وی مانند دیگر شاعران کودک تشخیص است. شعر «باد پاییزی» از کتاب "جشن گنجشکها" متناسب با گروه سنّی (ج و د) سروده شده است شواهدی بر این ادعا دارد:

خنده با کوچ پرستوها / از نگاه بی قرار باغ کوچیده است (شعبان نژاد، ۱۳۷۴: ۱۴)

کوچیدن خنده کنایه از ناراحت شدن است و نگاه بی قرار باغ تشخیص. باغ به انسانی تشبیه شده که نگاه بی قراری دارد و ناراحت است.

رو به روی من / آه گنجشکی در آن سوی دیوار است (همان: ۱۴)

آه گنجشک: گنجشک از شدت ناراحتی همچون انسانی مستأصل آه می کشد. تشخیص

یا در شعر شعر «آبی و سبز» از کتاب "جشن گنجشک‌ها":

دشت با پیراهن گل گلی‌اش      مثل پیراهن گل دار من است

(همان: ۱۵)

تشبیه دشت به پیراهن گلدار که تشبیهی حسی دیداری است.

یکی از زیباترین تشبیهات کودکانه در شعر «شب» از کتاب "ابر اومد، باد اومد" که برای گروه سنی (الف و ب) سروده شده است، نمونه بسیار خوبی برای تشبیهی از جنس تشبیهات حسی است:

شب، شب، شب اومد / کدوم شب؟ / اون که موهاش سیاهه رو دامتش یه ماهه همان: (۱۲)  
شب به انسانی با گیسوان سیاه تشبیه شده که دامنی با نقش ماه به تن دارد. (تشبیه حسی)  
شعبان‌نژاد در شعر زیر از مجموعه "ترانه‌های خانه" که برای گروه سنی «ب» سروده شده است، به منظور آشتی کودکان با طبیعت و تقویت حس آمیزی و درک آنها از زیبایی‌های طبیعت از آرایه تشخیص بهره جسته است:

می‌زند آهسته باران... / من کنار شیشه هستم / می‌زند باران صدایم (همان)

باران صدا می‌زند، تشخیص از نوع انسان پنداری

می‌نشینند توی ایوان / شعر می‌خواند برایم

شاعر قطره‌های باران را چون مهمانی پنداشته که به ایوان می‌نشینند و شعر می‌خواند. مجموع صفات انسانی که به باران نسبت داده شده است. بنابراین استعاره از نوع تشخیص در این بیت وجود دارد.

شعرهایش خوب و زیبا / مثل لالایی مادر

شاعر صدای شرشر باران را به واسطه صنعت تشبیه همچون لالایی مادران آرامش‌بخش و

روح نواز خوانده است که تشبیهی حسی است.

ناصر کشاورز یکی از تأثیرگذارترین شاعران کودک در دهه ۷۰ و ۸۰ است. کشاورز بین فرم و محتوا رابطه‌ای قائل است ولی باید این را در نظر داشت که آنچه از نظر شکل و بافت هنری کلام در فرمالیسم مورد نظر است، محور افقی است، این در حالی است که در شعر کودکانه

کشاورز، بنا بر ساخت شعر کودک نحوه بیان و هنری بودن آن و ماحصل هنری کار در محور عمودی و به عبارتی در کل یک شعر است. از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار شعر کشاورز نوع «آشنایی زدایی» در شعر اوست. این آشنایی زدایی با استفاده درست از عناصر خیال صورت می‌پذیرد. ساده‌ترین مفاهیم به ساده‌ترین تشبیهات آراسته می‌شوند و دنیایی از رنگ و حس را برای کودکان می‌سازند.

در شعر «پاییز خانم» از کتاب "پاییز خانم" که متناسب برای گروه سنی (الف و ب) سروده شده است، استفاده از تشبیهات حسی را مشاهده می‌کنیم:

من توی این فکرم که پاییز/ یک خانم جاجیم باف است (کشاورز، ۱۳۸۲: ۸)

تشبیه پاییز به زنی جاجیم باف، (تشبیه حسی)

موهای او نارنجی و زرد/ خیلی قشنگ و خیلی صاف است (همان: ۸)

برگ‌های درختان پاییزی به تارو پود نارنجی جاجیم تشبیه شده است. (تشبیه حسی)

یا استفاده از آرایه‌ی تشخیص در شعر «از جنس باران» از کتاب "پاییز خانم":

من خانم رنگین کمانم/ پیراهنم از هفت رنگ است (همان: ۹)

خانم رنگین کمان اضافه‌ی تشبیه‌ی. تشبیه رنگین کمان به زنی که پیراهنی رنگارنگ به تن دارد. (تشبیه حسی)

پیراهن زیبای من را / خورشید خانم هدیه داده (همان: ۱۲)

در عرف ادب فارسی و بویژه در ادبیات کودک، اجرام آسمانی مؤنث‌اند. مانند همین بیت که خورشید را به زنی تشبیه کرده که از قضا همچون انسان سخاوتمند است و هدیه می‌دهد. بنابراین در این بیت یک بار با تشبیه مستقیم خورشید به یک زن که تشبیه‌ی حسی است مواجهیم و بار دیگر ویژگی این زن که دادن پیراهنی رنگین به یک پدیده دیگر طبیعی یعنی، رنگین کمان است، که آرایه تشخیص را رقم زده است. (ذکر این نکته که شاعر برای درک کودکان از زیبایی‌های طبیعت و دلیل پیدایش آن، به صورت غیرمستقیم اشاره دارد که علت پیدایش رنگین کمان طلوع خورشید بعد از باران است).

کتاب «باغ رنگارنگ، آواز قشنگ» که برای گروه سنی (ب) سروده شده است با استفاده از آرایه تشخیص کودک را با پدیده‌های طبیعی آشنا می‌سازد. شعر «گل شب بو»:

گل شب بو یک شب / صورتش اخمو بود (همان: ۲۰)

صورت اخمو برای گل شب بو تشخیص است.

قطره ای شبنم هم / توی چشم او بود (همان)

شبنم استعاره از اشک. اشک در چشم بودن نشان از گریان بودن است که این ویژگی به گل شب بو نسبت داده شده است و تشخیص است.

چه آب صاف و خوبی میان حوضمان بود / شبیه قاب عکسی برای آسمان بود

(شعر سفر، آه پونه) (همان)

حوض روستا را به قاب عکسی تشبیه کرده است که عکس آسمان در آب صاف و زلال آن جای گرفته است. (تشبیه حسّی)

البته استعاره مصرّحه نیز در اشعار این شاعر و دیگر شاعران وجود دارد، اما استعاره مصرّحه بیشتر برای گروه سنی (د) مورد توجه قرار گرفته است. همانطور که در این سروده از مجموعه "بوی گردهای کال" شاعر معلّم و اهمّیت کار و تلاش وی را معرفی می‌کند، می‌بینیم:

ای همیشه در سکوت پر صداتر از درخت (همان: ۱۷)

درخت استعاره از معلّم به واسطه پرباری و ریشه دار بودن دانش.

با تو باز میشود قفل هر سوال سخت (همان)

در لایه‌های درونی شعر سوال سخت به قفلی تشبیه شده است که گشودن آن دشوار است و تنها به واسطه تلاش و دانش معلّم است که گشوده می‌شود. در این تشبیه حسّی به اعتبار محسوس بودن یا معقول بودن طرفین تشبیه، از نوع معقول به محسوس است. پر واضح است که با بالاتر رفتن رده سنی شاعران تشبیهات پیچیده‌تری را برمی‌گزینند.

شعر زیر که برای امام دوازدهم شیعیان، مهدی موعود سروده شده است متناسب با گروه سنی (د) و (ه) نوجوانان است. در این شعر، شاعر از انتظار می‌گوید و شوق دیدار و از این طریق

کودکان و نوجوانان را با مفهوم غیبت آشنا می‌سازد. این شعر از وبلاگ شاعر برداشت شده و محقق تنها به دلیل زیبایی شعر و ظرفیت تحلیل معانی آن را برگزیده است.

به خاک مژده داده‌ام که باز می‌رسد بهار دوباره غنچه می‌کند درخت خشک انتظار

(همان: ۷)

درخت انتظار اضافه تشبیهی است با ذکر وجه شبه در بیت که خشکی است. شاعر انتظار را به درختی خشک تشبیه کرده است. مژده دادن به خاک خشک که بهار می‌آید، این تصویر را به ذهن متبادر می‌کند که خاک چون انسانی است که منتظر شنیدن خبر است. بهار استعاره مصرحه از ظهور امام غایب است.

پرداختن به مفاهیم وطنی، دوستی با بیانی دقیق و دوستانه از ویژگی‌های شعر شکوه قاسم‌نیا است. بیان بی‌تکلف و ساده قاسم نیا چه در اشعار مربوط به کودک و چه نوجوان فضایی را رقم زده است که خاطراتی برای کودکان دهه‌های پیشین و حلاوتی برای کودکان امروز به بار آورده است. انسان پنداری پدیده‌های غیرانسانی از خصوصیت شعر این شاعر تواناست. بنابراین در نمونه بررسی شده عناصر خیال (بویژه تشبیه و استعاره) اشعار این شاعر، آنچه که بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد استعاره از نوع تشخیص است.

شعر «گل» از کتاب «برف و بهار» برای گروه سنی (ج و د) سروده شده است.

خاک، خاک / تشنه لب / ناتوان / ناله کرد: «آب، آب! / کو کجاست آفتاب؟» (قاسم نیا، ۱۳۹۵: ۳۴)

خاک ناتوان است و ناله می‌کند و سراغ آب و آفتاب را می‌گیرد. همه‌ی این‌ها برای خاک تشخیص است. تشنه لب بودن خاک کنایه از خشک بودن آن است.

شعر «مسافر» از کتاب برف و بهار:

چمدانش را بست / خانه را خالی کرد (همان: ۴۴)

شاعر تابستان را فاعل این شعر در نظر دارد و می‌گوید تابستان همچون انسان چمدان بست و خانه را خالی کرد. که اینها برای تابستان تشخیص است. اما چمدان بستن کنایه از آماده سفر شده و چمدان بستن تابستان کنایه از آمدن پاییز دارد.

شعر «قصه آفتاب» از کتاب برف و بهار:

گریه گریه گریه کرد / ابر خسته سیاه (همان: ۲۷)

ابر خسته تشخیص. گریه کردن ابر استعاره از باریدن باران است.  
شعر «خبر» از کتاب برف و بهار:

تا خبر رسید / رنگ گل پرید      روی صورتش / شبمی چکید

(همان: ۴۲)

گل با شنیدن خبری رنگ رخسار از دست داد و صورت گل گریان شد. این تعبیر برای گل تشخیص است. رنگ از رخ پریدن کنایه از ترسیدن و گاهی ناتوان شدن است. شبم به روی صورت گل نشستن در اینجا استعاره از گریستن گل است که خود تشخیص است.

شعر «شب بی مهتاب» از کتاب برف و بهار:

گرفته پیش چشم ماه را ابر      بین از شهر شب مهتاب رفته

(همان: ۴۹)

ابر چشم ماه را گرفته است کنایه از تاریک شدن شب. چشم ماه اضافی استعاره است. شب در بزرگی و جای دادن ماه و ستاره و دیگر اجرام آسمانی در خود به شهر تشبیه شده است که انسانها را در خود جای می دهد.

شعر زیر بعد از جنگهای دفاع مقدس که بسیاری از کودکان پدرانشان را از دست داده اند، برای گروه سنی (ب) و (ج) از مجموعه "به یاد بابا" سروده شده است. در این شعر شاعر با ایجاد کردن فضایی معنوی و قابل تصور برای کودک، با استعانت از طبیعت یعنی آسمان و ستاره مفهوم شهادت را به کودکان می آموزد و جایگاه شهیدان را نمایان می سازد:

نگاه کن به آنجا، بابام شده ستاره (همان، ۱۳۸۰: ۱۲)

شاعر، شهید را به ستاره ای تشبیه کرده است که در آسمان سوسو می زند. اشاره دارد به عروج شهیدان به آسمان.

نگاه کن به آنجا، بابام شده کبوتر (همان: ۱۲)

شاعر شهید را به کبوتر تشبیه کرده است به دلیل پرواز آن به سمت آسمان که تشبیهی حسنی است. در فرهنگ تمامی کشورها، کبوتر به عنوان نماد صلح و آشتی، مهر و دوستی و زیبایی مطرح

بوده است. تقریباً در هیچ شعر و قصه‌ای چهره منفی از کبوتر مطرح نبوده است. همچنین در جریان‌شناسی ادبیات بعد از جنگ کبوتر نماد شهید است.

پر زده از این هوا، به یک هوای بهتر / کلاغ پر، گنجشک پر، کبوتر از قفس پر (همان: ۱۵)

این هوا استعاره از دنیا، هوای بهتر استعاره مصرحه از بهشت. قفس استعاره از دنیا. شاعر دنیا را به قفسی تشبیه کرده است که مانع از پر کشیدن کبوتر (شهید) می‌شود. قفس نماد نفس و دنیای مادی نیز هست. از قفس پریدن کنایه از آزاد شدن است.

شعر کودک و نوجوان، رنگین‌کمانی از معانی است که به گونه‌ای خاص، تارهای اعجاب کودک را به ارتعاش در می‌آورد و با رسوخ در پنهانی‌ترین لایه‌های درونی روح و روان کودک، او را در تفسیر پدیده‌های هستی، یاری می‌رساند. شاعر کودکانه سرا، در قالب واژه‌های گوش نواز و رنگارنگ، ناب‌ترین خویش، جدا می‌شود تا با «من» اندیشه‌های متعالی را به ذهن مشتاق کودک و نوجوان، هدیه می‌دهد. او از دل پاک کودک معصوم، پیوندی ذهنی و روحی برقرار کند تا طیف گسترده‌ای از معانی را نثار آیینۀ قلب کودک سازد. وی، با امداد از تمامی ذخایر ذوق و استعداد خویش، می‌کوشد تا نگاه کودک را به ماورای ظواهر معطوف سازد و کلید کشف اسرار هستی را در دستان کوچک او قرار دهد. در این گونه اشعار، شاعر نگرش کودک و نوجوان را نسبت به هستی، متعادل تر کرده، آرام آرام، او را به وادی مفاهیم ناب، هدایت می‌کند. مفاهیمی که کودک و نوجوان، تنها از طریق کلام آهنگین به آن‌ها دل می‌دهد و آن‌ها را می‌پذیرد. اما مهم‌ترین عنصر در ایجاد فضایی خیالی و رنگین برای کودکان علاوه بر موزونی کلام پیرایش آن به واسطه عناصر سخن، معانی و بیان است. آنچه که در این پژوهش محور کلام، قرار گرفت، بررسی همین عوامل و عناصر برای ساختن دنیای کودکان است. اشعاری که در دهه ۷۰ و ۸۰ شعر کودک ایران را در برگرفته است. در پاسخ به پرسش این پژوهش مبنی بر کمیّت این عناصر در شعر کودک پژوهنده به نتایجی دست یافته است که در ادامه به صورت مجزأ، هر یک از این عناصر یعنی: تشبیه، استعاره، در شعر شاعران منتخب توضیح داده خواهد شد.

## نتیجه‌گیری

با توجه به تعاریفی که در مورد هر یک از این عناصر در مقاله ارائه شد و با در نظر گرفتن ویژگی‌های شعر و ادبیات کودک مانند: سادگی و صمیمیت زبان، روانی کلام و جنبه‌های آموزشی داشتن شعر و در تقسیم‌بندی محتوایی شعر کودک دهه هفتاد و هشتاد بر اساس: اشعار طبیعت‌گرا، اشعار سرگرم‌کننده، اشعار سیاسی-اجتماعی، اشعار دینی، اشعار آموزشی-علمی، اشعار تربیتی-اخلاقی، تشبیه و تشخیص بیشترین بسامد را در شعر کودک داشته است.

در بررسی اشعاری که با محوریت طبیعت سروده شده و جهت آشنایی کودکان با جهان هستی و زیبایی‌های طبیعت و پدیده‌های طبیعی است، از جمله: باران، برف، گیاهان، حیوانات، تغذیه، متناسب با گروه‌های سنی (الف، ب و ج) عنصر تشخیص بیشترین بسامد را داشته است. به این ترتیب که شاعر با انسان‌نگاری پدیده‌های طبیعی و نسبت دادن صفاتی انسانی به نهاد غیرانسان، پدیده‌ها را همچون انسانی انگاشته است تا برای کودک ملموس بوده و درک راحت‌تری از پدیده‌ها داشته باشد.

در اشعاری که مربوط به وطن و مام وطن است، عنصر تشبیه، تشبیهات حسّی به اعتبار طرفین تشبیه، از پرکاربردترین عناصر صورخیال محسوب می‌شود، چرا که شاعر وطن را همچون خانه و خانواده و حبّ وطن را برای کودک برابر با حبّ مادر و پدر تصویر می‌کند. همچنین عنصر کنایه به ندرت در این اشعار دیده می‌شود و آن در صورتی است که در گروه سنی (د و ه) سروده شده باشد. هدف شاعر از این کار همسان‌سازی علاقه کودک و یکی دانستن موطن با خانه است. همچنین در اشعاری که در مقام معلّم و آموزگار سروده شده است، عنصر تشبیه کاربرد فراوانی داشته است. زیرا شاعر مقام معلّم را همچون مادر دانسته است و بهترین صفات را به وی انتساب می‌دهد.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- ارمغان، علی، (۱۳۸۲)، *صور خیال در شعر رحمان دوست*، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۴۶.
- ۲- پور وهاب، محمود، (۱۳۸۱)، *کشاورز در شعر کودک و نوجوان*، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی شماره ۳۱.
- ۳- حجازی، بنفشه، (۱۳۹۱)، *ادبیات کودکان و نوجوانان*، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چاپ یازدهم.
- ۴- خسرونژاد، مرتضی، (زمستان ۱۳۸۴)، *مفهوم کودکی و هدف ادبیات کودک*، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۲۲، شماره ۴.
- ۵- رحمان دوست، مصطفی، (۱۳۷۸)، *بابا آمد، نان آورد*، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۶- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۶)، *فصل بهار بنویس*، انتشارات کانون.
- ۷- شعبان‌نژاد، افسانه، (۱۳۷۴)، *جشن گنجشک‌ها*، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ.
- ۸- \_\_\_\_\_، (۱۳۹۳)، *ابر اومد، باد اومد*، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۹- شعبانی، اسدالله، (۱۳۷۹)، *رنگین کمان کودکان*، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۱۰- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۵)، *زمین ما دل ما*، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۱۱- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۴)، *شاعر و شب بو (مجموعه شعر نوجوانان)*، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۱۲- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۹)، *رنگین کمان کودکان*، (مجموعه شعر کودکان)، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ دوم.
- ۱۳- شمیسا، سیروس، (۱۳۹۲)، *بیان*، انتشارات میترا، چاپ دوم.
- ۱۴- قاسم‌نیا، شکوه، (۱۳۹۵)، *برف و بهار*، انتشارات کانون.

- ۱۵- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۸)، *ترانه‌های خواب و خیال*، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۱۶- علوی مقدم، مهیار و زهره خیری، زهره، (۱۳۹۴)، *عناصر طبیعی در شعر کودک و نوجوان*، مقاله‌های پنجمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی.
- ۱۷- کزازی، میرجلال‌الدین، (۱۳۹۱)، *بیان*، تهران، انتشارات ماد، چاپ دهم.
- ۱۸- کشاورز، ناصر، (۱۳۹۲)، *مجموعه شعرهای خانه ما*، تهران، انتشارات قدیانی، چاپ پنجم.
- ۱۹- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۲)، *پاییز خانم*، تهران، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۲۰- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۱)، *چگه‌ای آواز، تگه‌ای مهتاب*، تهران، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۲۱- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۹)، *باغ رنگارنگ، آواز قشنگ*، تهران، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۲۲- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۶)، *آه پونه*، تهران، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۲۳- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۵)، *بوی گردوهای کال*، کانون پرورشی کودکان و نوجوانان.
- ۲۴- \_\_\_\_\_، (۱۳۹۸)، *بوی نرگس*، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ۲۵- قاسم‌نیا، شکوه، (۱۳۸۰)، *کلاغ پر*، کانون پرورشی کودکان و نوجوانان.